

انگ‌زدایی اخلاقی؛ گامی موثر برای بازگشت به جامعه

زنان معتاد هم بیمار هستند

اگر مردان، اعتیاد را ابتداء در محفل‌های دوستانه و به واسطه دوستان یا حتی پدران و برادران خود آغاز می‌کنند، در مورد زنان، ماجرا، برعکس است. این تنهایی و افسردگی و نادیده‌شدن است که زنان را به سوی سیگار و در نهایت اعتیاد سوق می‌دهد. طبعاً در جامعه ما، زنان با وجود توانایی‌های هم‌سطح و گاه بیشتر نسبت به مردان، بیشتر در معرض فشارها و تبعیض‌های جنسیتی قرار دارند و از حقوق برابر در مقابل کار برابر برخوردار نیستند.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

این روزها، دیدن دختران و زنانی که در مکان‌های عمومی و نیز در خانه‌ها و مهمانی‌ها، سیگار می‌کشند، نه برای کسی تازگی دارد و نه عجیب است. در حالی که تا همین چند سال پیش، سیگار کشیدن یک زن، باعث قضاوت‌های وحشتناک در مورد او می‌شد و انگ‌های اخلاقی نامناسبی به او می‌خورد. به هر حال جامعه سنتی ما، در مورد زنان و رفتارهای‌شان، همیشه سخت‌گیرانه‌تر و در عین حال، اخلاق‌مدارانه‌تر قضاوت کرده است و می‌کند.

داستان امروز ما این است که علاوه بر قبح‌زدایی از سیگار در میان زنان، سن آغاز به سیگار و نیز سن اعتیاد در میان دختران کاهش یافته و به ۱۳ سال رسیده است. بسیاری از دختران دانش‌آموز، اعتیاد را با سیگار آغاز می‌کنند و معمولاً با مواد صنعتی ادامه می‌دهند.

دختران دانشجو، گرایش بیشتری به استفاده از قلیان دارند.

بسیاری از کافه‌های شهر، جای مخصوص و جداگانه‌ای برای سیگاری‌ها دارند و خدمات قلیان در طعم‌های مختلف ارائه می‌دهند. مشتری اغلب این کافه‌ها هم معمولاً دختران دانش‌آموز و دانشجو هستند.

گرچه مدتی است قضاوت

اخلاقی در مورد سیگار کشیدن زنان از میان رفته و این عمل چنان در میان آنان شایع شده که دیگر کسی نه به آن توجه می‌کند و نه آن را جدی می‌گیرد، اما هنوز اعتیاد، برای زنان و دختران، همراه با قضاوت و انگ اخلاقی است و زن معتاد، بیش از هر چیز، به خاطر این قضاوت‌ها طرد می‌شود و بیشتر در منجلاب انواع فسادهای ناشی از اعتیاد فرو می‌رود. هر چند که خود اعتیاد در صورت جدی گرفته شدن و سعی در درمان آن، چندان مفسده‌زا نیست و می‌توان با باور این که فرد معتاد یک بیمار است، به او برای درمان کمک کرد.

اما متأسفانه، به آن میزان که برای کمک به مردان معتاد، مراکز ترک اعتیاد وجود دارد، چنین امکانی یا برای زنان وجود ندارد. یا فضا مختلط است، یا در درمان زنان، از همان روش‌های درمانی معمولاً خشن مردانه استفاده می‌شود که بیشتر باعث افسردگی و فرار زنان از مراکز ترک اعتیاد می‌گردد.

چرا زنان، چرا اعتیاد؟

زمینه‌های شیوع اعتیاد در میان زنان، با زمینه‌های معتاد شدن مردان، از بسیاری جهات، متفاوت است. اگر مردان، اعتیاد را ابتداء در محفل‌های دوستانه و به واسطه دوستان یا حتی پدران و برادران خود آغاز می‌کنند، در مورد زنان، ماجرا برعکس است. این تنهایی و افسردگی و نادیده شدن است که زنان را به سوی سیگار و در

نهایت اعتیاد سوق می‌دهد. طبعاً در جامعه ما، زنان با وجود توانایی‌های هم‌سطح و گاه بیشتر نسبت به مردان، بیشتر در معرض فشارها و تبعیض‌های جنسیتی قرار دارند و از حقوق برابر در مقابل کار برابر برخوردار نیستند.

دکتر عالیبه شکر بیگی، جامعه‌شناس می‌گوید: تابوی اعتیاد زنان در جامعه شکسته شده، و از آن جا که خانواده و اجتماع رابطه دوسویه دارند، زنان هم در خانواده به سوی اعتیاد سوق پیدا می‌کنند و هم در جامعه و به همین دلیل است که مشکلات و آسیب‌های اجتماعی هم در خانواده و هم در اجتماع افزایش یافته است. به گفته این جامعه‌شناس، این آسیب‌ها دلایل مختلفی دارد. یکی از علل آن درگیری میان زن و شوهر است. بنا بر آمارهای موجود خشونت خانگی همانند پرخشگیری در ایران زیاد است. در نتیجه ممکن است زن در خانواده دچار احساس تنهایی شود و برای بر کردن این خلا به اعتیاد گرایش پیدا کند. در واقع اعتیاد بیماری است که بر اساس احساس تنهایی به وجود آید.

مسرد دیگر، پارتی‌های خانوادگی است. به علت کمبود اوقات فراغت خلاق، مثل تماشای تئاترهای خیابانی و شرکت در گردهمایی‌های مردمی، زنان به پارتی و دورهمی‌های خانوادگی و غیر خانوادگی در مناسبت‌های مختلف روی آورده‌اند که متأسفانه

بسیاری از کافه‌های شهر، جای مخصوص و جداگانه‌ای برای سیگاری‌ها دارند و خدمات قلیان در طعم‌های مختلف ارائه می‌دهند. مشتری اغلب این کافه‌ها هم معمولاً دختران دانش‌آموز و دانشجو هستند

در برخی از این مجالس مواد مخدر به‌ویژه مواد توهّم‌زا مصرف می‌شود که استفاده از آن در دراز مدت موجب اعتیاد می‌شود. علاوه بر پارتی‌های خانوادگی، گروه‌های دوستان نیز در این زمینه موثر هستند.

عالیه بیگی به مورد جالب دیگری هم اشاره می‌کند: «فقر» و «رفاه» بیش از حد! برخی مواقع عدم دسترسی به امکانات مالی و معیشتی ممکن است موجب ایجاد احساس محرومیت و گرایش به اعتیاد شود. از سوی دیگر بر خورداری از امکانات مالی فراوان، امکان حضور در مهمانی‌های شبانه و مسافرت‌های تفریحی داخلی و خارجی را فراهم می‌کند و زن در این شرایط در معرض اعتیاد به مواد مخدر قرار می‌گیرد.

از نظر شکری بیگی مهم‌ترین مشکل زنان در رابطه با اعتیاد این است که خانواده ممکن است به زن معتاد انگ ضعیف اخلاقی بزند:

این بدترین انگ است که به یک زن می‌توان زد. این فرد بیمار است نه مجرم. با انگ‌زنی، زن معتاد از زندگی ناامید می‌شود. این در حالیست که زن معتاد قطعاً نیاز به کسب قدرت مجدد و زنده شدن مسئولیت شخصی دارد تا بتواند به پیامدهای مختلف اعتیاد خود آگاه شود و در مسیر بهبودی گام بردارد. با نجات یک زن از دام اعتیاد، خانواده و جامعه نجات می‌یابد. خشونت جسمی و رفتاری علیه زنان معتاد درست نیست و کمک خانواده و جامعه برای نجات او موثر است.

چرا زنان نسبت به گذشته، به کشیدن سیگار گرایش بیشتری پیدا کرده‌اند؟ شکر بیگی چنین پاسخ می‌دهد: اغلب مردم، چه زن و چه مرد، فکر می‌کنند سیگار اعتیادآور نیست. در حالی که سیگار زمینه‌ساز اعتیاد است. سیگار تنها ماده تخریب‌کننده‌ای است که برای همه افراد جامعه قابل دسترسی است و متأسفانه قبح اجتماعی مصرف آن شکسته است.

سمت و سوهای زنانه ترک اعتیاد

متأسفانه باید گفت بیشتر مداخلات مربوط به سوءمصرف مواد که تاکنون طراحی و اجرا شده‌اند، با توجه به ویژگی‌ها و نیازهای مردان شکل گرفته‌اند. در حالی که زنان نیازهای متعدد مختلفی دارند، مسائل زیادی نیز وجود دارد که برای ترغیب و تداوم درمان اعتیاد زنان باید مورد ملاحظه قرار گیرد.

در واقع خدمات ترک اعتیاد برای زنان معتاد باید عاری از هر گونه خشونت و تنبیه و انگ اجتماعی باشد، طوری که بشود تغییر رفتاری و درمان روحی، روانی و فیزیکی آنان را تضمین کرد. شکر بیگی به سه سطح مختلف در رابطه با اعتیاد زنان اشاره می‌کند: در نخستین سطح پیشگیری برنامه‌های دولت و مردم از طریق افزایش سطح آگاهی زنان نرفتن به سمت مصرف مواد مخدر و اعتیاد باید صورت گیرد.

دومین سطح، پیشگیری ثانویه است؛ دولت به همکاری مردم به یاری زنان آسیب‌دیده از اعتیاد بشتابد تا کمتر شاهد غوطه‌ور شدن زنان در دام اعتیاد باشیم. باید فرصت‌هایی فراهم شود تا زنان به ترک اعتیاد ترغیب شوند.

سطح سوم پیشگیری توجه به خدمات دولتی و نهادهای غیردولتی است که به این زنان کمک می‌کند تا از طریق برنامه‌های مدون توان بخشی حضور موفق‌تری را در جامعه تجربه کنند و از اعتماد نهادهای دولتی و غیردولتی برخوردار باشند.

در واقع نگرش‌های اجتماعی منفی موجود درباره رفتار غیر اخلاقی زنان معتاد، مانعی بزرگ

نگرش‌های اجتماعی منفی موجود درباره رفتار غیر اخلاقی زنان معتاد، مانعی بزرگ در راه درمان اعتیاد در زنان است، چرا که زنان با درونی کردن نگرش موجود در جامعه مبتنی بر این که نوعی تزلزل اصول اخلاقی در آن‌هاست از درمان خود اجتناب می‌کنند یا از معرفی خود به عنوان معتاد در انتظار و مجامع عمومی شرمسار می‌شوند

در راه درمان اعتیاد در زنان است، چرا که زنان با درونی کردن نگرش موجود در جامعه مبتنی بر این که اعتیاد در واقع نوعی تزلزل اصول اخلاقی در آن‌هاست از درمان خود اجتناب می‌کنند یا از معرفی خود به عنوان معتاد در انتظار و مجامع عمومی شرمسار می‌شوند.

شادی و هیجان اجتماعی کم داریم

اکنون مسیر آسیب‌های اجتماعی در ایران به سمت مواد مخدر صنعتی، جرایم سایبری، زنانه شدن و در مجموع آسیب‌هایی که شادی‌آنی را به همراه دارند، پیش می‌روند. وقتی بستر شادی واقعی برای مردم ایجاد نشود و شادی واقعی برای آن‌ها امکان‌پذیر نباشد، خواه ناخواه مردم به سمت شادی‌های آبی پیش خواهند رفت و سعی می‌کنند از طریق مختلف شادی را در زندگی خود تجربه کنند که متأسفانه این شادی‌های آبی بیش از هر چیز دیگر، خانواده‌ها را تهدید می‌کند و این نهاد حساس را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. اکرم کیانی، آسیب‌شناس اجتماعی زنان، در ادامه مهم‌ترین دلیل گرایش دختران جوان را به مواد مخدر می‌داند: محرک‌های سیدن به هیجان می‌داند: عمده‌ترین علت گرایش دختران جوان به مواد مخدر: کاذب به هیجان است. آن‌ها برای رسیدن به استقلال و خودباوری‌های کاذب و دستیابی به هیجان‌ها به سمت مواد مخدر محرک کشیده می‌شوند. تحقیقات نشان می‌دهند که در حال حاضر با آن که شیوع مصرف مواد مخدر در کشورهای صنعتی کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد، اما شاهد روند فزاینده شیوع مصرف مواد در کشورهای در حال توسعه هستیم.

طبق آمار، بیش از ۱۰ درصد جمعیت زنان در دام اعتیاد گرفتار هستند و آن‌چه که بر این نگرانی می‌افزاید پایین بودن سن مصرف مواد مخدر و گرایش روزافزون به مواد مخدر صنعتی از سوی زنان است.

دیگر کسی نمی‌تواند بلندش کند.

آدم‌های نصفه نیمه‌ای هستیم، با رفتارهای هیجانی، با تب‌های تندی که زود عرق می‌کنند. با جاده‌های ناتمام، ساختمان‌های نیمه‌کاره و تعهد‌پذیری‌های نیم‌بند. اگر اصغر فرهادی در مورد فیلم‌هایش ما را آزاد گذاشته تا هر برداشتی که دل‌مان خواست بکنیم و هر طور که دوست داشتیم فیلم را تمام کنیم، مسئولین محترم و مردم همراه‌شان هم دقیقاً، پایان همه چیز را باز گذاشته‌اند تا نفر بعدی بیاید یا پایان را بسازد یا نیمه‌کاره بودن را به گردن نفر قبلی بیندازد و برود و المنت‌الله که ما همیشه یک نفر قبلی، مسئول قبلی، دولت قبلی و راننده و خلبان مرده داریم که می‌توانیم تمام تقصیرها را به گردن آن‌ها بیندازیم و برویم کانادا.

در صدی از فساد در سیستم اداری طبیعی است

مدیر کل بازرسی استانداری تهران می‌گوید: در کل دنیا در صدی فساد در سیستم اداری وجود دارد و این طبیعی است. اگر چه باید فساد در ادارات به حد صفر برسد. متعاقب فساد در جایی که ارباب‌رجوع مراجعات بیشتری داشته باشد، خود به خود بیشتر است. هم‌چنین در دستگاه‌هایی که گردش مالی بالایی دارند، احتمال فساد بیشتر بوده و گلوگاه فساد وجود دارد که باید تلاش کنیم این تخلّفات در ادارات است، مراجعه‌کننده و کارمند هر دو باید حس مسئولیت‌پذیری در جامعه داشته باشند و به نوع خود خیانت نکنند و برای تسریع در روند کار اقدام به پرداخت رشوه و زیرمیزی نکنند. کارمند نیز در صورتی که پیش‌نهادهای رشوه به او شد، نباید قبول کند. وی با بیان اینکه اگر قرار است، جامعه‌عاری از تخلّفات و فساد اداری داشته باشیم، باید همه دست به دست هم بدهیم، تصریح کرد: بی‌تردید شفافیت و نظارت قوی بر سازمان‌ها و ادارات می‌تواند از تخلّفات و فساد جلوگیری کند. از سوی دیگر باید نظارت‌های مردمی نیز قوی باشد.

تشکیل کارگروه تحکیم خانواده و ازدواج



مدیر کل مشارکت‌های اجتماعی وزارت کشور از تشکیل کارگروه تحکیم خانواده و ازدواج ذیل وزارت کشور خبر داد. کمال اکبری با بیان این که همه در موضوع خانواده به‌عنوان رکن اصلی جامعه اتفاق نظر داریم گفت: اگر جامعه‌ای بخواهد به تعالی برسد باید خانواده‌ای سالم و محکم داشته باشد.

اکبری بیان کرد: خانواده باید پویا بوده تا به پرورش نسل شاداب بیانجامد. اصل و اساس جامعه خانواده بوده و حتی مباحث اقتصادی، اخلاقی، امنیت روانی، امنیت فیزیکی بدون خانواده در جامعه شکل نمی‌گیرد. معاون وزیر کشور در ادامه به اهمیت سازمان‌های مردم‌نهاد پرداخت و گفت: این سازمان‌ها در جهت منافع عموم و در بین حاکمیت و جامعه فعالیت می‌کنند. وی ادامه داد: کارگروه ملی خانواده با مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت کشور تشکیل شده است.

تجارب سازمان‌های مردم‌نهاد باید به اشتراک گذاشته و در خدمت خانواده و جامعه باشند. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد این است خانواده را توانمند کرده و از توانایی که در روابط بین والدین و فرزندان اتفاق افتاده، پیشگیری کنند. اکبری بیان کرد: بستر لازم برای تشکیل شبکه ملی خانواده در حال انحام است تا یک نهاد ملی با مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد شکل بگیرد.

نگران نفوذ شیرابه‌ها به آب‌های زیرزمینی نباشید

علی اصغر نصیری سرپرست سازمان مدیریت پسماند شهرداری کرج ضمن تأیید معضلات موجود در رابطه با محل دفن زباله‌های شهری حلقه دره از احتمال کم نفوذ شیرابه‌های این منطقه به آب‌های زیرزمینی گفت و از طرح جدید شهرداری کرج برای آبیاری درختان و پوشش گیاهی منطقه با شیرابه‌های زباله رونمایی کرد. سرپرست مدیریت پسماند شهرداری کرج، هفته دره همین باره گفت: در مرکز دفن زباله حلقه دره هر ثانیه ۴ لیتر شیرابه به شیرابه‌های قبلی اضافه می‌شود. طبق بررسی‌های صورت گرفته، پیش‌بینی می‌شود در حال حاضر ۱۰۰ هزار مترمکعب (۱۰۰ میلیون لیتر) شیرابه در مرکز دفن زباله حلقه دره باشد. نصیری با اشاره به این که این شیرابه‌ها به منابع آب‌های زیرزمینی نفوذ نکرده‌اند، گفت: آزمایشات انجام شده نشان می‌دهد، جنس و بافت خاک در منطقه حلقه دره نفوذناپذیر است و همین باعث شده شیرابه‌ها به منابع آب‌های زیرزمینی نفوذ نکنند. یکی از راه‌های خلاصی از شیرابه‌ها تبخیر بانور خورشید است و خوشبختانه تابستان امسال بخش زیادی از این شیرابه‌ها در معرض نور خورشید تبخیر شده است.

وی اظهار کرد: تنها ایراد تبخیر شیرابه‌ها از طریق نور خورشید، بوی نامطبوعی است که در فرایند تبخیر در فضا بلند می‌شود.

یادداشت

شیوع سندرم اصغر فرهادی

آسیه و بسی

معضلی که می‌خواهم درباره آن بنویسم، تنها مشکل یکی دو نفرمان یا پیر و جوان مان نیست. یعنی می‌خواهم بگویم همه ما به نوعی در گیر چنین بیماری هستیم؛ بیماری که شاید نشود گفت از اصغر فرهادی شروع شد. اما آثار او می‌تواند نمونه بارز چنین رفتار و حال و روز ما باشد. ما، منظورم همین ما ایرانی‌ها در هر نقطه از این کهن دیار و در هر پست و مقام، معمولاً با شوق و شور و با انرژی

فراوان کاری را شروع می‌کنیم یا اگر هم شروع نکنیم، حداقل برای آن طرح می‌کشیم و نقشه می‌ریزیم اما یاد همان قدم‌های اول یا وسط‌های کار، ناگهان همه چیز دود می‌شود و به هوامی رود؛ کلی کار نیمه‌تمام، کاغذهای لوله و مجاله و پاره شده، لیوان‌های جرم گرفته از چایی مانده و... روی دست‌مان می‌ماند و بدتر از آن، یک بی‌حوصلگی و ممتد و کشدار که می‌رود تا سال‌ها گریبان حال و روزمان را بگیرد و دمسار از روزگار خودمان، خانه و شهر و کهن دیارمان را در بیاورد.